

زمینه‌ساز همه خیرات در زندگی - 26 / اردیبهشت / 1394

مجموعه «عطر ماندگار» شامل قطعات کوتاهی از شرح احادیث اخلاقی با بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی در ابتدای درس خارج فقه است. احادیث گنجانده شده در این مجموعه با مضامین اخلاقی و اجتماعی و قابل استفاده برای عموم جامعه است. منبع احادیثی که در این مجموعه شرح داده می‌شوند کتاب «الشافی فی العقاید و الاخلاق و الاحکام» است.

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ جُمِعَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ثَلَاثِ خِصَالٍ (۱)

این سه چیز را اگر بتوان تأمین کرد، همه‌ی خیرات، مستقیم و غیرمستقیم در اینها وارد و داخل هستند.

النَّظَرُ وَ السُّكُوتُ وَ الْكَلَامُ
یکی نظر و نگریستن، دوم سکوت و سوم کلام

فَكُلُّ تَنْظُرٍ لَيْسَ فِيهِ اعْتِبَارٌ فَهُوَ سَهْوٌ
فرمود هر نگاه‌کردنی که در آن عبرت‌گرفتن نباشد، اعتبار نباشد، این سهو است ؛ هیچ فایده‌ای ندارد.

وَ كُلُّ سُكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرَةٌ فَهُوَ عَقْلَةٌ
سکوت هم جزو کارهای متعارف و رفتار انسان است ؛ [می‌فرماید] هر سکوتی که در آن فکری نیست این غفلت است.

وَ كُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لُغْوٌ
می‌فرماید هر کلامی که در آن ذکر نیست، یاد نیست، توجه نیست -حالا یا به طور مطلق یا توجه الی الله- این کلام لغو است.

فَطُوبَى لِمَنْ كَانَ نَظْرُهُ عِبْرًا وَ سُكُوتُهُ فِكْرًا وَ كَلَامُهُ ذِكْرًا
[پس خوشا به حال کسی که نگاهش مایه‌ی عبرت است، و سکوتش مایه‌ی اندیشه، و سخن‌گفتنش یادآوری و ذکر است]

آن وقت انسانی که این سه خصوصیت را دارد ؛

وَ بَكَى عَلَىٰ خَطِيئَتِهِ

بر گناهان و خطاهای خود بگرید ؛

یعنی این [گریه کردن] نتیجه‌ی همین توجهات است. هنگامی که ما وقتی ساکتیم فکر می‌کنیم، وقتی حرف می‌زنیم تذکر در آن است، وقتی نگاه می‌کنیم با سنجش [همراه است]، آن وقت یکی از چیزهایی که مورد نگاه ما است، خود ما و رفتارهای خودمان است، خطاهای خودمان را پیدا می‌کنیم. مشکل ماها این است که اشتباهات و خطاهای خودمان را نمی‌فهمیم و نمی‌بینیم. وقتی فهمیدیم آن وقت عظمت کار را مشاهده می‌کنیم و اگر اهل دل باشیم بر خطاهای خودمان گریه می‌کنیم.

وَ أَمِنَ النَّاسُ شَرَّهُ

[و مردم از شر او در امان باشند]

(۱) الامالی شیخ صدوق، صفحه‌ی ۸۰